گفت‌وگو
سجاد آذری

قطعنامه جدید شورای حقوق بشر در گفت‌وگوی «جوان» با استاد حقوق بشر دانشگاه تهران

بانیان قطعنامه حقوق بشری علیه ایران، جنایتکاران جنگی‌اند!

اکبر طلابکی: کمیسر حقوق بشر سازمان ملل ماده ۴ میثاق حقوق مدنی را هم نخوانده‌است؛ نشست شورای حقوق بشر نه سندی علیه جمهوری اسلامی ایران بلکه سند دیگری بر نگاه سیاسی و رویکرد ابزاری و دوگانه به حقوق بشر در میان کشورهای غربی تلقی خواهد شد

نشست اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل در حالی که با فاصله اندک از اغتشاشات تروریستی اخیر در ایران برگزار شد که همین شورا برای تصمیم‌گیری در خصوص جنایات صهیونیست‌ها در غزه مدت‌ها زمان را از دست دادند و در نهایت نیز بسیاری از کشورهایی غربی که امروز به عنوان منتقد رفتار ایران با اغتشاشگران صحبت می‌کنند، به هر شکل ممکن از جنایات صهیونیست‌ها در غزه دفاع می‌کردند. در گفت‌وگویی که «جوان» با اکبر طلابکی، استاد حقوق بشر دانشگاه تهران میزان واقعی توجه منتقدان رفتار ایران با اغتشاشگران به موازین حقوق بشری مورد بررسی قرار گرفت.

لطفاً در ابتدا کلیاتی در خصوص جلسه اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص ایران بفرمایید.

به فاصله دو هفته از وقوع اغتشاشات تروریستی در جمهوری اسلامی ایران به درخواست برخی کشورهای غربی اجلاس اضطراری شورای حقوق بشر سازمان ملل به بهانه بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران تشکیل شد. این اولین‌بار نبود که نشست اضطراری در مورد ایران تشکیل می‌شد بعد از اغتشاشات سال ۱۴۰۱ هم غربی‌ها این جلسه را تشکیل دادند و طی قطعنامه‌ای یک هیئتی را تحت عنوان هیئت به اصطلاح حقیقت‌یاب برای بررسی وضعیت حقوق بشر ایران تشکیل دادند. غربی‌ها در نشسته اخیر و بر اساس قطعنامه‌ای که تصویب کردند مأموریت این هیئت حقیقت‌یاب را به مدت دو سال دیگر تمدید و آن را مکلف کردند که گزارشی از وضعیت اخیر را به مجمع عمومی سازمان ملل و اجلاس‌های بعدی حقوق بشر ارائه بدهد.

بانیان این نشست و قطعنامه چه کشورهایی بودند؟

عمده بانیان و رأی‌دهندگان به قطعنامه کشورهای غربی یا کشورهایی که همسو با غرب بودند، این اقدام را انجام دادند و نکته جالب این است که این کشورهای غربی هیچگاه حاضر نشدند یک چنین نشستی را برای بررسی وضعیت حقوق مردم غزه که تحت شدیدترین جنایت رژیم صهیونیستی بودند، تشکیل دهند؛ یعنی حاضر نشدند اجلاس ویژه را ایجاد کنند و علیه رژیم صهیونیستی اقدام کنند. چرا! چون خود این کشورها در واقع به نوعی حامی رژیم صهیونیستی بودند.

کشورهایی که در این نشست شورا شرکت داشتند، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به تعبیر خانم آلبانیز، گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در فلسطین که اعلام کرد هر کس در قبال جنایاتی که رژیم صهیونیستی انجام می‌دهد، اقدامی نکرده‌باشد، همدست این جنایت است، کشورهای غربی نه‌تنها سکوت کردند، بلکه بعضاً حمایت‌های سیاسی و تسلیحاتی از رژیم صهیونیستی کردند، در واقع به نوعی جنایتکار جنگی و جنایتکار علیه بشریت محسوب می‌شوند و لذا می‌شود اینگونه تعبیر کرد که بانیان این قطعنامه را جنایتکاران جنگی گذاشته‌اند. کشوری مانند آلمان که در قضیه اغتشاشات ۱۴۰۱ بانی قطعنامه علیه ایران بود و اینجا هم جزو بانیان بود، می‌بینیم که جزو حامیان اصلی رژیم صهیونیستی است و در این قطعنامه نقش پررنگی داشت، لذا به نظر می‌رسد که این نشست و این قطعنامه نه نقطه ضعفی برای جمهوری اسلامی ایران، بلکه سند افتخاری برای جمهوری اسلامی ایران است که از سوی جنایتکاران جنگی بازخواست می‌شود و نشان‌دهنده انحطاط شورای حقوق بشر و تبدیل آن به ابزاری برای جنایتکاران جنگی است. همان کشورهایی که در حمایت از رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی نقش بسیار پررنگی داشتند و وقتی که جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم با آفریقای جنوبی و هم با اسرائیل قطع رابطه کرد، اما آنها کماکان به حمایت‌های خودشان از این دو رژیم نژادپرست ادامه می‌دادند، اینجا هم باز نشان دادند که نگاه کاملاً ابزاری به مسئله حقوق بشر دارند. البته کشورهایی مانند پاکستان، عمان، عراق و مصر از ایران دفاع کردند، اما کشورهای غربی نشان دادند که تصمیم‌شان کاملاً سیاسی است، با اینکه وزارت امور خارجه فیلم‌هایی را از اقدامات تروریستی در این اغتشاشات به آنها نشان داد، اما آنها چون خودشان را به خواب زده‌بودند، نمی‌خواستند که از خواب بیدار بشوند و با واقعیت تصمیم‌گیری بکنند.

چه کسانی علیه ایران در این نشست صحبت کردند؟

این یک فهرست بسیار جالب دارد. این کشورها نه‌تنها از جنایات رژیم صهیونیستی در غزه حمایت کردند، بلکه در مقابل جنایات رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه علیه ملت ایران هم سکوت یا حمایت کردند و حال آنها برای مردم ایران اشک تمساح ریختند. فهرست کشورهایی که علیه ایران صحبت کردند، فهرست جالبی است. یکی از کشورهایی که علیه ایران صحبت کرد، آلبانی است؛ کشوری که مقر گروه تروریستی منافقین هست و این طنز تلخی است که کشوری که میزبان جنایتکاران علیه ملت ایران است، می‌آید و از حقوق ملت ایران سخن می‌گوید. گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران هم جزو کسانی بود که سخنرانی کرد. او ادعا کرد که نیروهای امنیتی ایران در استفاده از سلاح اصول ضرورت و تناسب را رعایت نکردند، واقعاً این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که از نظر ایشان ضرورت و تناسب در چه زمانی پیش می‌آید! آیا در شرایطی که یک فرد مسلح به سوی نیروی امنیتی شلیک می‌کند، در مقابل این چه باید کرد! احتمالاً ایشان آمار شهدای نیروهای انتظامی در مقابل این اغتشاشات را نخواسته که تعمداً به آن توجه بکند او در جای دیگری با اشاره به اینکه این اعتراضات اقتصادی بود به لزوم تعامل مقامات جمهوری اسلامی ایران با معترضان اشاره کرد، ولی متأسفانه ایشان به این نکته که جمهوری اسلامی ایران تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی است، نخواست اشاره کند یا به اینکه مسئولان کشورمان از جمله رئیس‌جمهور با اصناف و معترضان نشست‌هایی داشتند باز اشاره‌ای نکرد و در واقع نخواست به این واقعیات اشاره کند.

کمیسر عالی حقوق بشر از کسانی بود که صحبت کرد، اظهارات او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

او نیز علیه جمهوری اسلامی ایران سخنرانی و در این سخنرانی و به مسئله قطع اینترنت اشاره کرد و درخواست کرد قطع اینترنت پایان پیدا کند. کمیسر عالی حقوق بشر جزو مقاماتی است که قاعدتاً بیشترین اشراف را نسبت به مقررات بین‌المللی و حقوق بشری دارد، او بهتر از هر کسی می‌داند که در میثاق حقوق و سیاسی که جزو اسناد پایه حقوق بشر هست، در ماده ۴ میثاق به این نکته اشاره می‌کند که در شرایط اضطراری و بحرانی کشورها می‌توانند برخی از حقوق و آزادی‌ها را از جمله آزادی بیان یا حتی آزادی اطلاعات را به خاطر شرایط امنیتی محدود کنند و حتی بالاتر از آن اگر در یک کشور شرایط امنیتی هم برقرار باشد ماده ۱۹ میثاق حکومت و سیاسی اشاره می‌کند به اینکه آزادی بیان یک حق مطلق نیست و مواردی مانند نظم و امنیت و اخلاق و سلامت عمومی و حفظ حقوق دیگران می‌تواند آزادی‌بیان را محدود کند. با وجود همه اینها در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران برای حفظ جان مردم و حفظ امنیت و جلوگیری از ارتباط گروه‌های تروریستی با همدیگر و هماهنگی آنها برای نقض حقوق مردم اینترنت را قطع کرده کمیسر عالی بدون توجه و اشاره به این قواعد حقوق بشری و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را به دلیل قطع اینترنت محکوم می‌کند.

کشور دیگر که اینجا نقش بارزی داشت، آلمان بود که جزو حامیان اصلی رژیم صهیونیست است، همچنین ژاپن و کره‌جنوبی هم از جمهوری اسلامی ایران انتقاد می‌کنند، یعنی کشورهایی که متأسفانه در مقابل زورگویی‌های امریکا هیچ واکنش از خودشان نشان نمی‌دهند و ژاپن با وجود اینکه مردمش بارها به وجود پایگاه‌های نظامی امریکایی در کشورشان اعتراض کردند و خواستار تعطیلی این پایگاه‌ها شدند، ولی هیچ‌وقت این کار را نکرده‌است و متأسفانه اینجا هم از سیاست‌های کشورهای غربی حمایت می‌کند.

نظر شما در خصوص اظهارات اتحادیه اروپا چیست؟

نماینده اتحادیه اروپا می‌گوید که هدف از این اعتراضات، زندگی بهتر بود، اما هیچ‌گاه از مسئله تحریم سخنی به میان نمی‌آورد، تحریم‌های غیرقانونی که امریکا اعمال و کشورهای اروپایی نیز از آن تبعیت کردند. در واقع این نشست یک نمایشی بود از جنایتکاران جنگی که تلاش یک کشور مستقلی مانند ایران را به نقض حقوق بشر متهم کنند. در حالی که خودشان بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر هستند و قضایای غزه دیگر آبرویی برای آنها و شعارهای حقوق بشری‌شان باقی نگذاشته، غزه نمایشگاهی است از بزرگ‌ترین جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت و نقض اصولی‌ترین و مبنایی‌ترین قواعد حقوق بشری که دیگر نیازی به اثبات ندارد، اما آنها چشم خود را بر این واقعیات بسته‌اند. در اینجا هم همین نادیده گرفتن واقعیات را به رغم وجود مستندات بسیار خوب نشان دادند و این نه سندی علیه جمهوری اسلامی ایران، بلکه سند دیگری بر نگاه سیاسی و رویکرد ابزاری و دوگانه به حقوق بشر در میان کشورهای غربی تلقی خواهد شد.

گزارش
مهسا گربندی

سرزمین ایران زیر سنگینی کسری ۱۶۰ میلیارد مترمکعبی آب!

کسری شدید آب‌های زیرزمینی و برداشت بی‌رویه، دشت‌ها و زیرساخت‌های کشور را در معرض فرونشست و بحران زیست‌محیطی قرار داده‌است

سالیان سال از منابع طبیعی و آب‌های زیرزمینی، بیش از آنچه زمین تاب داشت، برداشت کردیم. کشاورزی، صنعت و شهرها به جای هماهنگی با ظرفیت‌های طبیعی، از ذخایر پنهان کشور استفاده کردند و حالا در مقابل اینها، زمین واکنش نشان داده‌است. فرونشست در دشت‌ها، خشک‌شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها و گسترش بیابان‌ها، تنها بخشی از نشانه‌های خشم خاموش طبیعت هستند که دیده می‌شود.

متأسفانه به جای آنکه هشدارهای زمین را جدی بگیریم، چشم‌هایمان را بسته‌ایم و امروز به نقطه‌ای رسیده‌ایم که اگر اصلاح الگوی مصرف و مدیریت منابع آغاز نشود، شاید دیگر فرصت جبران باقی نماند. کسری ۱۶۰ میلیارد مترمکعبی آب زیرزمینی، چاه‌هایی با عمق ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر، کانون‌های فعال گرد و غبار و بیش از ۱۴ میلیون هکتار اراضی در معرض بحران، به روشنی نشان می‌دهد که برداشت بیش از حد و مدیریت ناکارآمد منابع آب، کشور را به نقطه‌ای شکننده رسانده‌است. بی‌تردید پیامدهای ادامه این روند، نه‌تنها منابع طبیعی بلکه زندگی روزمره مردم، امنیت غذایی و زیرساخت‌های شهری را به شدت تهدید می‌کند که باید از همین حالا بدان توجه ویژه‌ای شود.

کسری آب زیرزمینی

حسن وحید، معاون مراتع و امور بیابان سازمان منابع طبیعی، با تصویری نگران‌کننده از وضعیت زیست‌محیطی هشدار می‌دهد: «کشور در نقطه‌ای بحرانی قرار گرفته‌است و بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی، خشکسالی‌های پی‌درپی، تغییرات اقلیمی و مدیریت ناپایدار منابع آب، این وضعیت را رقم زده‌اند.»

به گفته او، کسری آب زیرزمینی حدود ۱۶۰ میلیارد مترمکعب یکی از شاخص‌های این بحران است و در بسیاری از مناطق، عمق چاه‌ها به ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر رسیده‌است. این روند، فرونشست زمین را به تهدیدی جدی برای آثار تاریخی، زیرساخت‌های شهری و اراضی کشاورزی تبدیل کرده‌است، وضعیتی که دشت اصفهان نمونه‌ای روشن از آن به شمار می‌رود.

وحید با اشاره به خشک شدن رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آبراهه‌ها، این روند را عامل شکل‌گیری کانون‌های فعال گرد و غبار داخلی می‌داند: «وسعت کانون‌های بحران داخلی به بیش از ۱۴ میلیون هکتار می‌رسد، در کنار کانون‌های خارجی که بر شرایط زیست‌محیطی کشور اثرگذارند.»

او در عین حال به تجربه‌های موفق هم اشاره می‌کند: «در حوضه دریاچه نمک، از ۱۲۰ هزار هکتار کانون بحرانی، حدود ۱۰۰ هزار هکتار با اجرای طرح‌های جنگل‌کاری مدیریت شده‌است.»

معاون سازمان منابع طبیعی مشارکت بخش خصوصی را نیز «اتفاقی بزرگ و امیدوارکننده» می‌داند و معتقد است هم‌افزایی دولت، بخش خصوصی و مردم می‌تواند کشور را از «پیچ خطرناک زیست‌محیطی» عبور دهد، هر چند این مسیر دشوار و نیازمند تصمیم‌های جدی و مستمر است.

وابستگی خطرناک

آمار رسمی نشان می‌دهد که حدود ۵۵ درصد آب مصرفی کشور از منابع زیرزمینی برداشت می‌شود و در استان‌های کم‌بارش مانند کرمان، یزد و خراسان جنوبی این رقم به ۸۰ تا ۹۰ درصد می‌رسد. مصرف سالانه کشور نزدیک به ۹۵ تا ۱۰۰ میلیارد مترمکعب برآورد شده که عمدتاً در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. این روند باعث ایجاد بیلان منفی پایدار در آبخوان‌ها شده که جبران آن در کوتاه‌مدت دشوار است.

در این رابطه، داریوش عمادی، کارشناس صنعت آب، وضعیت ایران را «فرسودگی آبی» می‌نامد: «سطح برداشت به حدی رسیده که حتی در سال‌های پربارش نیز امکان جبران کامل کسری وجود ندارد.»

او یکی از دلایل اصلی را عدم تناسب سیاست‌های توسعه‌ای با ظرفیت منابع آبی می‌داند: «در بسیاری از مناطق، توسعه کشاورزی و صنعتی بدون توجه به محدودیت آب انجام شده و تعادل طبیعی حوضه‌های آبریز به هم خورده است. هر تصمیمی درباره آب و توسعه باید مبتنی بر آمایش سرزمین و ظرفیت واقعی منابع باشد.»

عمادی خاطر نشان می‌کند که حدود دو سوم دشت‌های کشور در وضعیت بحرانی یا ممنوعه قرار دارند و کاهش سطح ایستابی، دسترسی به آب را سخت و پرهزینه کرده و کیفیت آن را نیز کاهش داده‌است: «این بحران تنها مسئله زیست‌محیطی نیست، بلکه امنیت غذایی و اقتصادی کشور را مستقیماً تهدید می‌کند.»

او همچنین بر ضرورت بازچرخانی و استفاده مجدد از پساب‌ها تأکید دارد و هشدار می‌دهد که بحران آب تنها با محدود کردن مصرف حل نمی‌شود، بلکه نیازمند تغییر نگرش کلان، بازنگری در الگوی کشت، بهبود فناوری‌های آبیاری و مشارکت مردم است.

پیامد فرونشست زمین

یکی از ملموس‌ترین پیامدهای افت آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین است، بحرانی که دیگر محدود به چند دشت خاص نیست و در بسیاری از مناطق کشور قابل‌مشاهده است. فرونشست نتیجه مستقیم کسری مخازن آب زیرزمینی است، وقتی آبخوان‌ها بیش از ظرفیت طبیعی تخلیه شوند، ساختار خاک فرو می‌ریزد و این تخریب غیرقابل بازگشت است.

علیرضا کرمی، مدرس دانشگاه و دکترای مهندسی مدیریت منابع آب می‌گوید: «از دشت‌های مرکزی ایران تا استان فارس، نشانه‌های واضحی از ناپایداری زمین دیده می‌شود. ریشه اصلی فرونشست بحران آب و مدیریت ناپایدار منابع است.»

او با اشاره به دشت‌های فارس توضیح می‌دهد: «مرودشت، فسا، جهرم و داراب و بخش‌هایی از شیراز طی سال‌های اخیر به دلیل افت شدید سطح آب زیرزمینی در معرض فرونشست قرار گرفته‌اند. این وضعیت تهدیدی جدی برای کشاورزی، زیرساخت‌ها و میراث تاریخی استان است.»

کرمی هشدار می‌دهد که خشکسالی تنها عامل نیست: «خشکسالی زمانی به بحران تبدیل می‌شود که مدیریت منابع آب مبتنی بر واقعیت‌های اقلیمی وجود نداشته باشد و کمبود آب با برداشت بیشتر از سفره‌های زیرزمینی جبران شود. کاهش بارندگی، افزایش دما و تبخیر، تغییر الگوی بارش و کاهش رواناب‌ها، اتکای کشاورزی به آبخوان‌ها را افزایش داده و روند فرونشست را تسریع کرده‌است.»

او و سازوکار فنی فرونشست را این‌گونه توضیح می‌دهد: «وقتی سطح آب زیرزمینی شدیداً افت می‌کند، فشار آب منفذی کاهش‌یافته و لایه‌های رسی و سیلتی فشرده می‌شوند. این فشردگی باعث نشست دائمی زمین می‌شود که حتی با ترسالی‌های مقطعی قابل‌جبران نیست. در بسیاری از دشت‌ها ظرفیت ذخیره آبخوان‌ها برای همیشه کاهش یافته و سرمایه‌ای بین نسلی از دست رفته‌است.»

کرمی تصریح می‌کند که مقابله با فرونشست بدون اصلاح مدیریت منابع آب امکان‌پذیر نیست: «انسداد چاه‌های غیرمجاز، کنترل برداشت از چاه‌های مجاز، اصلاح الگوی کشت، افزایش بهره‌وری آب، تغذیه مصنوعی آبخوان‌ها و سامانه‌های پایش مستمر باید هم‌افزا اجرا شوند. تا زمانی که الگوی مصرف اصلاح نشود و ارزش واقعی آب لحاظ نگردد، حتی پرهزینه‌ترین پروژه‌های آب‌رسانی نمی‌توانند مانع گسترش فرونشست شوند.»

مسئله فقط کم‌بارشی نیست

تحلیل کارشناسان نشان می‌دهد بحران آب در ایران تنها ناشی از خشکسالی‌های مقطعی نیست، بلکه به پدیده‌ای عمیق‌تر به نام «خشکسالی ساختاری» مرتبط است. الگوی مصرف، مدیریت منابع و سیاست‌گذاری‌های چند دهه گذشته، منابع آب را به نقطه‌ای شکننده رسانده‌اند. حتی در سال‌های نرمال، به دلیل برداشت بیش از حد و مدیریت ناکارآمد، تراز آب‌های زیرزمینی بهبود نیافته‌است.

به باور کارشناسان، ادامه روند فعلی می‌تواند بحران آب را از یک چالش زیست‌محیطی به بحرانی اقتصادی و اجتماعی تبدیل کند، بحرانی که پیامد آن در قالب مهاجرت، تخریب سرزمین و کاهش امنیت غذایی نمایان خواهد شد. عبور از این وضعیت نیازمند تصمیم‌های سخت، اصلاح الگوی مصرف و بازنگری جدی در سیاست‌های مدیریت آب است، و تعلل در این زمینه، هزینه‌های آینده را به مراتب سنگین‌تر خواهد کرد.

گزارش ۲
زهرا چیذری

ترک فعل‌ها در اجرای جوانی جمعیت زیر ذره‌بین قضا

معاون اول قوه قضائیه: ترک فعل دستگاه‌های اجرایی در اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بررسی و در صورت احراز، با متخلفان برخورد قانونی خواهد شد

حال و روز جمعیت خوب نیست و این ساز ناکوک از ترک‌فعل‌ها در اجرای قانون جوانی جمعیت حکایت دارد. حالا حتی وزیر کشور هم درباره ایران ۴۰ میلیونی هشدار می‌دهد. این در حالی است که طبق ماده ۷۱ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مستنکفین از اجرای این قانون، علاوه بر جبران خسارات وارده و اعمال مجازات موضوع ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری به مجازات حبس یا جزای نقدی درجه چهار یا پنج موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند؛ مجازاتی که هنوز شاهد اجرایی‌شدن آن نبوده‌ایم! حالا آنطور که معاون اول قوه قضائیه خبر داده ترک فعل دستگاه‌های اجرایی در اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بررسی و در صورت احراز، با متخلفان برخورد قانونی خواهد شد.

دومین جلسه «قرارگاه جوانی جمعیت» اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را محور خود قرار داد؛ قانونی که هر چند امسال چهارمین سال اجرای خود را پشت سر گذاشت، اما برخی ترک‌فعل‌ها موجب شده تا این قانون به درستی اجرایی نشده و به اهداف خودش دست پیدا نکند.

نگاهی به سیمای جمعیت

طبق داده‌های رسمی سازمان ثبت احوال و مرکز آمار ایران، تعداد موالید از یک میلیون و ۱۱۴ هزار و ۹۰ در سال ۱۴۰۰، به ۹۷۹ هزار و ۹۲۸ در سال ۱۴۰۳ رسیده‌است. کاهش نرخ موالید به زیر یک میلیون و رسیدن نرخ باروری به ۱/۴۴ آن هم در شرایطی که حد جانشینی ۲/۵ فرزند به ازای هر زن است، نشان می‌دهد وضعیت جمعیت می‌تواند بحرانی شود.

اوضاع آنچنان جدی است که حتی اسکندر مؤمنی، وزیر کشور هم در جلسه تودیع معارفه رئیس سازمان ثبت احوال به موضوع روند کاهشی جمعیت کشور اشاره و تصریح کرد: «کاهش جمعیت در حال تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ایران عزیز است. بر اساس گزارش‌ها، در صورت تداوم این روند، جمعیت کشور تا سال ۱۴۸۰ به زیر ۴۰ میلیون نفر خواهد رسید که این مسئله تهدیدی جدی برای آینده کشور محسوب می‌شود.»

همین اعداد و ارقام هم نشان می‌دهد قانون جوانی جمعیت به درستی اجرایی نشده‌است. بگذریم از اینکه بسیاری از بندهای صریح این قانون مانند وام ازدواج و فرزندآوری روی زمین مانده! این در حالی است که مسئله جمعیت برای جامعه امروز ایران امری حیاتی است که ابعاد امنیتی پررنگی دارد و می‌تواند امنیت ایرانمان را هم در آینده‌ای نزدیک به چالش بکشد. به همین خاطر هم در دل خود قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت برخورد با مستنکفان از اجرای این قانون دیده شده‌است.

برخورد قانونی با ترک‌فعل‌ها در اجرای قانون جوانی جمعیت

حجت‌الاسلام والمسلمین حمزه خلیلی، معاون اول قوه قضائیه در دومین جلسه قرارگاه جوانی جمعیت با تأکید بر اهمیت راهبردی مسئله جمعیت گفت: «جوانی جمعیت از موضوعات اساسی کشور است که آثار مستقیم آن در آینده فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی نمایان خواهد شد.»

معاون اول قوه قضائیه با اشاره به سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری تأکید کرد: «قوه قضائیه در چارچوب وظایف قانونی خود، اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را به صورت مستمر رصد و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظارتی، حقوقی و پیشگیرانه، تحقق کامل این قانون را دنبال می‌کند.»

معاون اول دستگاه قضا همچنین با اشاره به مسئولیت قانونی دستگاه‌های اجرایی گفت: «ترک‌فعل دستگاه‌ها در اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در قالب قرارگاه جوانی جمعیت مورد بررسی و پیگیری قرار می‌گیرد و در صورت احراز کوتاهی، اقدامات قانونی لازم انجام خواهد شد.»

تأکید بر نگاه پیشگیرانه

بنا به تأکید حجت‌الاسلام والمسلمین خلیلی البته که رویکرد قوه‌قضائیه در حوزه جمعیت صرفاً قضایی و برخوردی نیست، بلکه معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه با تمرکز بر اقدامات فرهنگی و اجتماعی، نقش مؤثری در پیشگیری از سقط جنین غیرقانونی و کاهش عوامل زمینه‌ساز آن ایفا می‌کند و این اقدامات با رویکرد آگاه‌سازی عمومی و همکاری با دستگاه‌های مرتبط در حال انجام است.

خلیلی در ادامه با اشاره به نقش معاونت حقوقی قوه‌قضائیه تصریح کرد: «آسیب‌شناسی قوانین و مقررات مرتبط با حوزه جمعیت و خانواده و همچنین ارائه پیشنهادهای اصلاحی و تکمیلی برای رفع خلأها و موانع قانونی، از جمله اقدامات مهمی است که توسط معاونت حقوقی قوه‌قضائیه در دستور کار قرار دارد تا بستر حقوقی لازم برای حمایت مؤثر از خانواده و جوانی جمعیت تقویت شود.»

ضرورت اصلاح زیرساخت‌های قانونی

معاون اول قوه قضائیه با تأکید بر لزوم پیشگیری ریشه‌ای از آسیب‌های اجتماعی مرتبط با کاهش جمعیت خاطر نشان کرد: «مقابله با پدیده‌هایی نظیر سقط جنین غیرقانونی نیازمند نگاه جامع، هماهنگی بین دستگاه‌ها و اصلاح مستمر فرآیندها و قوانین است و در این مسیر، اقدامات پیشگیرانه و فرهنگی نقش اساسی دارد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین خلیلی در پایان تأکید کرد: «تقویت نهاد خانواده، حمایت از فرزندآوری، تسهیل ازدواج، پیشگیری فرهنگی و اجتماعی از آسیب‌ها و اصلاح زیرساخت‌های قانونی، از اولویت‌های جدی قوه قضائیه است و دومین قرارگاه جوانی جمعیت با هدف ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی مؤثر میان بخش‌های مختلف برگزار شده‌است.»

تلاش در وقت اضافه

پیش از این نیز ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفته‌بود: «ترک‌فعل دستگاه‌ها در اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، «جرم» است و مسئولان باید توجه داشته‌باشند که این قانون از این جهت با سایر قوانین تفاوت دارد؛ یعنی صرف قصور در انجام تکالیف قانونی، موضوع را در معرض پیگیری قضایی قرار می‌دهد و سازمان بازرسی موظف است علاوه بر هشدار، موارد را به مراجع قضایی ارجاع دهد.»

طبق توضیحات وی تاکنون تکالیف تمامی دستگاه‌ها احصا و ابلاغ شده، گزارش‌های خوداظهاری آنان دریافت و پس از راستی‌آزمایی، دستگاه‌ها رتبه‌بندی شده‌اند. بر پایه این ارزیابی‌ها، حدود ۶۶ مسئول کم‌کار اخذ توضیح شده‌اند و برخی نیز به مراجع اداری و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری معرفی شده‌اند.

قطع به یقین جدی‌تر شدن برخورد با متخلفان و مستنکفان از اجرای قانون جوانی جمعیت می‌تواند اجرای آن را تسهیل کند. از همه مهم‌تر اینکه فرصت چندانی باقی نمانده و ظرفیت‌های جمعیتی جامعه در حال تهی‌شدن است.